

چرایی تفاوت آیات تحدی از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان

حسین خاکپور*

دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

فاطمه اثنی‌عشری**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶)

چکیده

قرآن در آیاتی چند به همانند آوری - مانند خود- تحدی می‌نماید؛ گاهی به سوره‌ای، زمانی به دو سوره و در نهایت، به مانندسازی باقرآن تحدی شده‌است. مفسران از دیرباز به این نکته توجه داشته‌اند و این چرایی چنان سؤالی در پیش روی آن‌ها خود نمایی کرده‌است. برخی بر این پندارند که آیات، مراحل تحدی را بیان می‌کند و گروهی تلاش می‌کنند بین محتوای سوره و نوع تحدی ارتباط برقرار سازند و دسته‌ای غرض خاصی برای آن متصور هستند. مقاله حاضر به روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد قرآنی، آیات تحدی را از دیدگاه علامه طباطبائی در تفسیر گرانسنگ المیزان بررسی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد که بیان تحدی در آیات مختلف قرآن به صورت مطلق است و مشتمل بر «اغراض خاصی» می‌باشد. تحدی در آیه ۸۸ سوره اسراء، تحدی به تمام اغراض قرآن می‌باشد و غرض اساسی کل کتاب آسمانی این است که احتیاج‌های مردم را تا روز قیامت در بر دارد. تحدی در آیه ۲۸ سوره یونس، تحدی به یک غرض تام و جامع است. بر این اساس، دیدگاه علامه را در بحث تحدی می‌توان مبتنی بر «غرض خاص» استوار دانست که نشأت گرفته از مبنای ایشان در بحث علت تسمیه «سوره» می‌باشد.

واژگان کلیدی: اعجاز قرآن، تحدی، تفسیر المیزان، علامه طباطبائی.

* E-mail: dr.khakpour@theo.usb.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: fateme.esnaashari@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم در ۵ آیه به همانندآوری تحدی نموده است و به گونه‌های مختلف آن را بیان می‌کند. زمانی به کل قرآن، گاهی به ده سوره، گاه به یک سوره و در آیه‌ای به آوردن سخنی مانند قرآن تحدی کرده است. این امر نشانه‌ای راستین بر حقانیت قرآن، نبوت و رسالت پیامبر^(ص) از آغاز بعثت تاکنون می‌باشد که هیچ بشری نتوانسته است مانند آن کتاب آسمانی بیاورد. در زمینه شناخت تحدی در آیات مکی و مدنی و نیز ترتیب نزول آن‌ها اختلافاتی وجود دارد. گروهی از مفسران بر این باورند که بین آیات، ترتیب وجود دارد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۱۵۴؛ جصاص، بی تا، ج ۱: ۳۴؛ زرکشی، بی تا، ج ۲: ۳۴۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۳۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۷۰؛ بروسوی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۷ و رافعی، بی تا: ۱۹۶). عده‌ای نیز قائل به ترتیب نداشتن آیات تحدی شده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۱۴۷؛ شاذلی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۱۸۶۱-۱۸۶۲). برخی بر تفاوت وجوه تحدی تأکید کرده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۴۶؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳، ج ۱۲: ۴۴ و فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۸).

۱- پیشینه پژوهش

مقوله‌ها مورد طلبی قرآن از گذشته تاکنون مورد توجه بسیاری از مفسران بوده است. از صحابه، عبدالله بن عباس (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۱۵۶)، بسیاری از مفسران (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۸۳؛ بغوی، ۲۰۰۲، ج ۲: ۴۴۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳۰: ۱۳۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۰؛ علاءالدین بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۷؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۷۰؛ بروسوی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۱۰۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۴۶؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳، ج ۱۲: ۴۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۷-۳۸)، بسیاری از مؤلفان کتاب‌های علوم قرآنی (ر.ک؛ زرکشی، بی تا، ج ۲: ۱۱۰؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۴۶ و خویی، بی تا: ۸۳) و امروزه هم توجه خاصی به این بحث شده

(ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۸۶۱-۱۸۶۲؛ مکارم شیرازی، بی تا، ج ۹: ۴۳). در این زمینه، مقالاتی با عنوان «بررسی سیر نزول تحدی در آیات قرآن» (ر.ک؛ قاضی زاده، ۱۳۷۴) و تحدی در محک عقل و نقل، و نیز نقد و سیر نزولی آیات موسوم به تحدی (ر.ک؛ اخوان مقدم، ۱۳۹۱) و «راز تحدی‌های گوناگون قرآن از منظر استاد مصباح» (ر.ک؛ سلطانی بیرامی، ۱۳۹۱) نوشته شده است. اما مقاله و نوشته‌ای مستقل پیرامون دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان نوشته نشده است. بر این اساس، نوشته حاضر از این حیث مطلبی نو می باشد؛ چه آنکه دیدگاه علامه هم مبتنی بر «غرض خاص» بوده که پس از مفهوم شناسی به تحلیل و بررسی نظر ایشان پیرامون این آیات می پردازیم.

۲- پرسش پژوهش

نوشته حاضر پاسخ به این پرسش را وجهه همت خود قرار داده است: علت تفاوت و گوناگونی آیات تحدی از دیدگاه علامه چیست؟ البته تمرکز پژوهش بر مواردی است که علامه آن‌ها را در تفسیر المیزان نقل و آنگاه نقد و بررسی می کند.

۳- تحدی در لغت و اصطلاح

تحدی در لغت از (حدو، حداء، حدی) گرفته شده است. ابن منظور می گوید: «التحدی من حادث فلان إذا باریته و نازعته فی فعله لتغلبه: تحدی زمانی گفته می شود که با کسی در عملی مسابقه بدهی و منازعه نمایی تا بر او غلبه یافته، پیروز شوی» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق.، ج ۳: ۵۴؛ ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۲۲ق.: ۲۳۴؛ جوهری، ۱۴۵۴ق.، ج ۳: ۲۳۱۰؛ طریحی، بی تا، ج ۲: ۴۷۶). همچنین، مبارزه طلبی و هموردی است با هدف ناتوان کردن طرف مقابل (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۶۶۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۹۵-۱۰۸؛ خویی، بی تا: ۸۳ و صفی پور، بی تا، ج ۱۱: ۲۳۰).

تحدی در اصطلاح نیز عبارت است از امر خداوند به مخالفان و منکران قرآن و صدق نبوت پیامبر^(ص) که نظیر آن معجزه را بیاورند (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۹۰ق.، ج ۵: ۱۲ و خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۸۱). همچنین، هر کس دیگران را برای عمل یا گفتار یا نوشتار خود به

مبارزه طلبی و همانند آوری دعوت کند، تحدی نامیده می شود و یکی از ارکان معجزه قرآن، تحدی است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۸).

معجزات انبیاء همیشه همراه مبارزه طلبی و هموردی هستند. پیامبران الهی با انجام امری فوق العاده و اثبات عجز دیگران، ادعای خود را به اثبات می رسانند. بنابراین، هر کاری که فوق العاده باشد و دیگران از انجام آن عاجز باشند، ولی اگر همراه تحدی و مبارزه طلبی نباشد، معجزه نامیده نمی شود؛ به عبارت دیگر، شرط اساسی در معجزه، اثبات عجز کسانی است که می خواهند با آن مبارزه نمایند (ر.ک؛ حلی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۴۰۳).

۴- آیات تحدی

الف) تحدی به کل قرآن: ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾: بگو: اگر انسان ها و پریان اتفاق کنند که همانند آن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را کمک کنند ﴿(الإسراء / ۸۸).

ب) تحدی به یک سوره: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾: آیا آنها می گویند: او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می گویند: یک سوره مانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا هر کس را می توانید بطلبید ﴿(یونس / ۳۸).

ج) تحدی به ده سوره: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾: آیا می گویند: او به دروغ این را به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر راست می گویند، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید؛ و تمام کسانی را که می توانید غیر از خدا دعوت کنید ﴿(هود / ۱۳).

د) تحدی به یک حدیث: ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾: اگر راست می گویند، سخنی همانند آن بیاورند ﴿(الطور / ۳۴).

ها) تحدی به یک سوره: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک و تردید دارید. یک سوره همانند آن بیاورید: و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید اگر راست می گوئید ﴿(البقره / ۲۳).

قرآن کریم در آیات تحدی ادعا کرده که آیت و معجزه است و بیان کرده اگر قبول ندارید، مانند یک سوره از آن را بیاورید. این دعوت قرآن بر حسب حقیقت به دو دعوت منحل می شود: یکی اینکه به طور کلی، معجزه و خارق عادت است و دوم اینکه یکی از مصادیق قرآن معجزه است و اصل اعجاز، ثابت است و قرآن خود یکی از معجزات است و برای اثبات اصل اعجاز، دلیلی است کافی که هیچ کس نمی تواند مانند آن را بیاورد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۹۳).

۵- ترتیب نزول آیات تحدی

صرف نظر از اینکه قرآن نزول دفعی داشته یا نه، در نزول تدریجی آن هیچ شکی نیست. این تدریج موجب تقدم و تأخر نزول سوره ها بر یکدیگر شده است و علاوه بر تقدم کلی سوره های مکی بر مدنی، برای هر گروه ترتیبی نقل شده است که سند کاملی ندارند و برخی نیز مقطوعه اند (ر.ک؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۴۶؛ قاضی زاده، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۰۲). در کتاب های المبانی، مجمع البیان، البرهان و الایتقان ترتیب نزول سوره هایی که در آنها آیات تحدی وجود دارد، به ترتیب زیر است: بنی اسرائیل، یونس، هود، طور، بقره (ر.ک؛ قاضی زاده، ۱۳۷۴: ۳). این ترتیب با ترتیب نقل شده از سوی ابن ندیم در الفهرست مخالف است؛ زیرا ترتیب در این کتاب اخیر، اسراء، هود، یونس، طور و بقره دانسته شده است (ر.ک؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷: ۴۵). علامه طباطبائی نقل های یاد شده را در کتاب قرآن در اسلام رد می کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۸۶) و در تفسیر خویش، ترتیب مختار را درباره آیات تحدی پذیرفته است و به نقد، اصلاح و نظریه پردازی در این زمینه می پردازد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۶۳).

۶- دیدگاه متفکران درباره آیات تحدی و نقد علامه بر آنها

با توجه به مطالب مذکور، آنچه که بیشتر مورد توجه قرار گرفته، ترتیب میان سه آیه آغازین تحدی است؛ آیات سوره اسراء، هود، یونس. با توجه به این مطلب، ما به طرح دیدگاه‌های گوناگونی که در این زمینه ارائه شده است، می‌پردازیم. البته تمرکز نوشته روی مواردی است که علامه طباطبائی آنها را نقل و در تفسیر المیزان به نقد آنها می‌پردازد.

۱-۶) یکسانی موارد تحدی و پذیرش ترتیب مشهور

برخی از عالمان برای آیات تحدی سیر نزول دلخواه را برگزیده‌اند و به ترتیب نزول آیات توجیهی ندارند، آنها می‌گویند: خداوند در آغاز به کل قرآن، سپس به ده سوره و در آخر به یک سوره تحدی کرده است. می‌گویند: ما ترتیب مشهور را می‌پذیریم، اما ترتیب تحدی را هم قبول می‌کنیم؛ یعنی ترتیب مشهور اسراء، یونس، هود، طور و بقره را قبول می‌کنیم، اما ترتیب نزول تحدی هم یک ترتیب منطقی است. جالب این است که ایشان به ترتیب تاریخی سوره‌ها توجه نکرده‌اند، یا توجیهی نداشته‌اند یا اینکه فهرست ابن‌ندیم را قبول کرده‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۲: ۳۸۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۱۷: ۱۵۴؛ جصاص، بی‌تا، ج ۱: ۳۴؛ زرکشی، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق.، ج ۳۱: ۳۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق.، ج ۶: ۱۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۳ق.، ج ۲: ۷۰؛ بروسوی، ۱۴۰۵ق.، ج ۴: ۱۰۷ و رافعی، بی‌تا: ۱۹۶). قرطبی در تفسیرش، ترتیب آیات تحدی را به مجموعه قرآن، سخنی مانند آن، ده سوره و یک سوره می‌داند. وی بدون اشاره به سوره یونس، ترتیب نزول را اینگونه دانسته است: اسراء، طور، هود و بقره (ر.ک؛ قرطبی انصاری، بی‌تا، ج ۱: ۷۷). شهید سید مصطفی خمینی در تفسیر خویش، ترتیب سوره‌ها را به ترتیب اسراء، هود، طور، یونس و بقره دانسته است؛ یعنی تحدی به کل قرآن، ده سوره، یک حدیث و یک سوره آورده است (ر.ک؛ خمینی، بی‌تا: ذیل البقره/۲۳). فخر رازی می‌گوید: پیش بودن سوره هود بر سوره یونس اشکالی ندارد، اگرچه هر دو مکی هستند، اما برای حفظ ترتیب نزول تحدی، باید سوره یونس پس از هود نازل شده باشد (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق.، ج ۱۷: ۱۵۴). مکارم شیرازی می‌گوید:

«اگرچه سوره یونس پیش از سوره هود نازل شده است، اما آیه تحدی در سوره هود پیش از آیه تحدی در سوره یونس نازل شده است» (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۹: ۴۳).

اندیشمندانی که این دیدگاه را برگزیده اند، به دو دسته تقسیم می شوند: گروهی کل سوره هود را بر سوره یونس مقدم دانسته اند و دسته ای صرفاً آیه تحدی در سوره هود را - در نزول - بر سوره یونس مقدم دانسته اند، به نظر می رسد این اندیشمندان به نوعی همان ترتیب مشهور را پذیرفته اند. اما برای توجیه گونه های تحدی نزول یک آیه را مقدم دانسته اند. این بزرگواران اندیشه خود را بر استدلال عقلی و منطقی استوار نموده اند و حال آنکه در بحث ترتیب نزول آیات و سوره های قرآن، باید مستند به روایت صحیح باشد، نه صرفاً استدلال عقلی. لذا اندیشه خود را هرگز بر روایتی استوار نساخته اند، ضمن اینکه به نوعی ترتیبی مشهور را مد نظر دانسته اند، اما در این مقوله، ترتیب دلخواه را برگزیده اند که ظاهراً این مسئله تناقض دارد.

۶-۲) ترتیب نداشتن آیات تحدی

برخی دیگر معتقدند که هدف آیات، اثبات تحدی و هماهنگی آن با شرایط مشرکان آن زمان بوده است و لازم نیست ترتیبی بین آیات تحدی در قرآن کریم باشد. قرآن کریم در هر جا با توجه به شرایط مخاطب خود، تحدی کرده است و هدف اصلی تحدی، برتری کلام قرآن نسبت به کلام عرب است. پس اشکالی ندارد که گاهی اعجاز به یک سوره باشد، یا ده سوره یا کل قرآن (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۱۴۷). همچنین، نویسنده تفسیر فی ضلال القرآن، نبود ترتیب منطقی را پذیرفته است و راز تحدی را شرایط زمانی مختلف و درخواست ها و یا طعنه های کافران و ستیزه گران می داند (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۱۸۶۱-۱۸۶۲).

صاحب مجمع البیان (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۹ق.، ج ۶: ۱۴۷) و تفسیر کبیر، ذیل آیه ۱۳ سوره هود می گویند اعجاز قرآن تنها در فصاحت و بلاغت که مربوط به نظم و سیاق، مخصوص به آن است، چون اگر غیر از این می بود، خداوند در تحدی عرب به ساختن و پرداختن و دروغ بستن به خدا قناعت نمی کرد، برای اینکه بلاغت قرآن چند مرحله دارد که بالاترین مرحله آن، بلاغت است و مرحله متوسط و آخر آن برای بشر ممکن و عملی است، پس تحدی در آیه ۱۳ سوره هود مربوط به بلاغت و فصاحت آن است و کلمه «مثل» همانندی آن با قرآن در جنس

نیست؛ زیرا اگر از نظر جنس مانند آن باشد، با دوباره خوانی آن، تحدی ایجاد نمی‌شود، بلکه باید تحدی به چیزی باشد که بین عرب شناخته شده باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۴۲).

۷- نقد علامه طباطبائی بر این دیدگاه

علامه طباطبائی در نقد این دیدگاه می‌گوید اولاً اگر اعجاز قرآن تنها در فصاحت و بلاغت آن می‌بود، دیگر معنا نداشت که خداوند همه جن و انس را برای هم‌اوردی دعوت کند. ثانیاً آیات بسیاری در قرآن کریم است که مطلق اختلاف را در آن نفی می‌کند و می‌گوید اگر اختلافی در آن‌هاست، مربوط به معنای کلام است، نه الفاظ آن‌ها؛ مانند: ﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾. ثالثاً اگر علت اعجاز تنها فصاحت و بلاغت بود، با توجه به تحدی که در آیات گذشته بیان شد، فاقد نظم طبیعی می‌شوند؛ زیرا معنی نداشت که یک روز عرب را تحدی کند به یک سوره و فردا به ده سوره، و بهتر این بود که خداوند اول به کل قرآن تحدی کند و بعد به ده سوره و آنگاه یک سوره. همچنین رشیدرضا گفته‌اند: ترتیب بین سوره‌ها مستلزم این نیست که آیات این سوره قبل از همه آیات آن سوره نازل شده باشد، بلکه چه بسیار آیاتی هستند که در مدینه نازل شده‌اند، اما بین آیات مکی هستند و به عکس، پس چه مانعی دارد که آیات تحدی به کل قرآن قبل از آیات تحدی به ده سوره و آیه تحدی به یک سوره بعد از همه نازل شده باشد؟! علامه می‌گوید این نظر درست نیست و زمانی درست است که بتوان آن را ثابت کرد. پس حق مطلب این است که همه قرآن با تمام محتویات آن معجزه است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۴۴).

دسته‌ای از اندیشمندان مثل علامه طبرسی، هدف آیات را اثبات تحدی و هماهنگی با شرایط مشرکان دانسته‌اند. این همان چیزی است که به آن فصاحت گفته می‌شود؛ به تعبیر دیگر، یکی از شرایط فصیح بودن کلام، سخن به مقتضای حال گفتن است. این نظر در اصل خود اشکال چندانی ندارد؛ زیرا: در سراسر قرآن، فصاحت و بلاغت مشاهده می‌شود، اما مشخص کردن هدف آیات تحدی صرفاً به این مقوله، به نظر درست نمی‌رسد و استدلالی ناتمام است.

۸- دیدگاه مبتنی بر تفاوت وجوه تحدی

در این نظریه، لزومی به توجیه سیر تحدی نشده، ولی در باب «عشر سُور» بیاناتی مطرح کرده‌اند. مثلاً فخر رازی از ابن عباس نقل می‌کند: «منظور از تحدی در سوره یونس، مطلق سوره‌های قرآن است، ولی مقصود از سوره هود در ﴿فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ﴾ ده سوره خاص است و آن‌ها عبارتند از: بقره، آل عمران، نساء، مائده، اعراف، انفال، توبه، یونس و هود است» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۱۵۶).

صاحب تفسیر المنار نخستین آیه را تحدی نمی‌داند. آیه سوره طور را تحدی به تمام قرآن می‌داند و آیه سوره بقره را تحدی به یک سوره که از پیامبر (ص) صادر شود، ابراز می‌کند. درباره سوره یونس و جمله ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ که از دیدگاه ایشان، نخستین آیه از آیات تحدی است، نکته خاصی بیان نکرده‌است، بیشتر دیدگاه ایشان، در سوره هود ذیل آیه «عشر سور» است. وی معتقد است که از عشر سور، سوره خاصی مد نظر نیست، بلکه ده سوره که در آن‌ها داستان‌های انبیاء و اخبار تهدیدآمیز دنیایی و آخرتی آمده‌است، نه سوره‌ای که مشتمل بر امر و نهی باشد و ایشان می‌گوید: «نکره آوردن سوره، سوره‌ای طولانی مانند همین سوره است و ضمیر در "مثله"، به خصوص سوره مد نظر برمی‌گردد؛ یعنی در سوره یونس، به خصوص سوره یونس و در سوره هود، به خصوص سوره هود و... ایشان می‌گویند: «تحدی در این آیه با آیات دیگر تفاوت دارد؛ زیرا در این آیه، پس از آوردن درخواست ده سوره، تعبیر «مفتريات» آمده‌است؛ یعنی شما ده سوره مانند قرآن را از نظر نظم و اسلوب که در آن مطلب واحدی به تعابیر گوناگون ارائه شده‌است، بیاورید، گرچه از نظر محتوا، باطل و ساختگی باشد. آنگاه خود به موارد تحدی اشاره کرده‌است و می‌نویسد: سوره طور، بعد از دو سوره یونس و هود نازل شده که در سوره نخست، تحدی به یک سوره و در دومین سوره، تحدی به ده سوره شده‌است. سوره اسراء، گرچه قبل از این سوره نازل شده، ولی در آن‌ها به ناتوانی انسان و جن از آوردن مثل قرآن بسنده کرده‌است و تحدی ندارد. آخرین آیه که در باب تحدی نازل شده (آیه سوره بقره)، تحدی در برابر تردیدکنندگان وحی الهی بوده که در سال دوم هجری نازل شده‌است (ر.ک؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳م، ج ۱۲: ۴۴-۴۵).

۹- نقد علامه طباطبائی بر این دیدگاه

علامه می‌گوید اولاً این نظریه‌ها نادرست هستند؛ زیرا قرآن کریم با تمام محتویات خود منسوب به خداست؛ چه سوره‌هایی که مشتمل بر داستان‌ها باشند، یا امر و نهی در آن‌ها وجود داشته باشد. ثانیاً ترتیبی که ایشان در باب سوره‌ها بیان کرده‌اند، مورد اعتماد نیست، چون خبر واحد است و نمی‌توان بحث تفسیری را بر خبر واحد استوار ساخت. ثالثاً تحدی در آیات مورد نظر تنها به فصاحت و بلاغت آن‌ها نیست، بلکه قرآن مشتمل بر تمام معارف الهی، جوامع شرایع، قوانین مدنی، سیاسی، اقتصادی و... است که فصاحت و بلاغت هم جزئی از این معارف هستند. رابعاً تحدی در قرآن کریم با توجه به آیات، به صورت مطلق است و شامل سوره‌ای خاص نمی‌شود، بلکه تمام سوره‌های بلند و کوتاه مد نظر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۱۶۵-۱۶۶).

تخصیص ده سوره به سوره‌های طولانی و دارای قصه، سخنی بدون دلیل و حجت است. اینکه مراد صرفاً آوردن مثل ده سوره خاص باشد، تکلیف را درباره سایر سوره‌ها مشخص نمی‌کند. آیا مراد این است که فقط درباره این ده سوره تحدی شده است؟ این سخنی باطل است. از طرف دیگر، خبر واحد نمی‌تواند مبنای داوری پیرامون قرآن که متواتر است، باشد و اینکه گفته شده به "مثله" نمی‌توان استدلال کرد، یعنی دارای قصه است، بلکه مراد این است که مثل این سوره دارای هدف، غرض خاص و دارای مفاهیم متعالی باشد. بر این اساس، سخن علامه طباطبائی کلامی استوار است.

آیت‌الله فاضل لنکرانی هم در ذیل آیه سوره هود می‌نویسند که مقید شدن "عشر" به «مفتریات» در این آیه، نظم طبیعی را تصحیح می‌کند. توضیح اینکه افتراء در کلمه «مفتریات» با افترای که در اول آیه بیان شده، از نظر معنی با هم تفاوت دارند. افترای اول، افترای ادعای ستیزه‌گران است که منطبق با حقیقت نیست، ولی افتراء در ذیل آیه، افتراء مورد پذیرش طرفین است (افترای واقعی) و هدف آیه این است که اتصاف قرآن به اعجاز بدین دلیل است که هدف و پایه اساس آن، مقاصد و اغراض الهی است و تمام الفاظ قرآن بر آن تأکید می‌کنند، اما اعجاز تنها به این الفاظ نیست. اگر احتمال دهیم که مطلب دروغین و قصه‌های ساختگی هم

بود، با این حال، بشر ناتوان به آوردن مانند این الفاظ با عباراتی با نظم و اسلوب مخصوص بود. ایشان اعتقاد دارند که کلمه مفتریات که فقط در این آیه (سوره هود) آمده نشان دهنده نظم طبیعی از دشوارتر به ساده تر است، برای اینکه تحدی در یک سوره بر محتوا و نظم آن تأکید می کند، ولی تحدی در ده سوره، علاوه بر محتوا، با نظم مخصوص قرآنی درخواست می شود، صرف نظر از اینکه محتوای آن ساختگی و دروغین باشد. بر این اساس، سیر نزول طبیعی از دیدگاه ایشان، ابتدا به کل قرآن در همه جهات لفظی و محتوایی است (سوره اسراء) و در مرحله دوم، تحدی به یک سوره باز در همه جهات و در مرحله سوم، اگرچه از نظر مقدار صعود دارد، تحدی به سوره های متعدد شده است و تنها از نظر نظم و اسلوب و دو سوره آخر (بقره و طور) را مانند سوره یونس می داند (ر.ک؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۳۸-۳۹).

نقد دیدگاه فاضل لنکرانی از سوی علامه طباطبائی

علامه می گوید اولاً تنها در آیه ۱۳ سوره هود است که می فرماید: ﴿قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ﴾. شاید وجه آن چنین باشد عنایتی که در این آیه است، در آیات دیگر نیست و عنایتی که در آیات دیگر است، در این آیه نیست. ثانیاً این آیه با توجه به آیه بعدش که می فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ﴾، تحدی در آیه به این دلیل است که قرآن علمی دارد که آن علم از آن خداست و بشر هرگز به آن راهی ندارد. ثالثاً مفهوم تحدی در آیات مورد نظر، این است که کسی ادعا کند که اثرش معجزه است و اگر دیگران بتوانند، آن را بیاورند و ادعای آن را باطل کنند، لازم نیست که اثری برتر از اثر او بیاورند. همچنین، علامه می گوید: «بعضی ها بر "مثل" اشکال گرفته اند و یا ممکن است بگویند اگر کسی نمی تواند مانند آن را بیاورد، این دلالت نمی کند بر اینکه آن کلام، معجزه خداست و از آن رسول خدا^(ص) نیست، بلکه در میان بشر صفات و خصوصیات وجود دارد که احتمال دارد که این صفات و خصوصیات در افرادی نسبت به دیگران بیشتر باشد که شخص پیامبر^(ص) اینگونه بوده اند. بنابراین، ناتوانی بشر در هموردی با آن دلیل نمی شود که آن کلام از ناحیه خدا باشد؛ زیرا می تواند ساخته و پرداخته پیامبر^(ص) باشد که دیگران از آوردن کلامی چون آن محروم هستند. همچنین، گفته اند: افراد بشری نیز می توانند با تقلید از آن شخص خاص به این

مرحله برسند و اگر نتوانستند، کاملاً مثل او شوند، حداقل در بعضی از صفات و کمالات می توانند به او برسند. پس با توجه به این مطلب، اگر فرض کنیم قرآن گفتار و ساخته پیامبر^(ص) است که فصیح ترین و بلیغ ترین مردم به زمان خویش بوده اند، پس هر کسی می تواند با تمرین و ممارست به درجه پیامبر^(ص) برسند و اگر نتوانستند حداقل یک سوره مانند ایشان بیاورند.

قرآن کریم در هیچ یک از آیات تحدی نفرموده است: «اگر شک دارید که این کلام از ناحیه خدای تعالی نازل شده، یک سوره بلیغ تر از آن و یا بهتر از آن و یا یک حدیثی بلیغ تر و بهتر از آن بیاورید»، تا کسی در رد آن بگوید که قرآن بلیغ ترین کلام و بهترین گفتار بشر است و دیگران نمی توانند مانند آن را بیاورند، بلکه قرآن می فرماید: «مثل آن را بیاورید» و «یا یک سوره مانند آن را بیاورید» و یا «یک حدیث مثل آن را بیاورید» و هیچ کس انکار نمی کند که هر انسانی می تواند مثل کلام غیر خود را بسازد، هر چند که آن کلام بلیغ و فصیح باشد و علامه با کلمه «مثله» پاسخ این اشکال را داده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۵۳). در حقیقت، علامه طباطبائی با کلمه «مثله» پاسخ این اشکال را داده اند.

۴- دیدگاه مبتنی بر «غرض و هدف خاص» (تحلیل دیدگاه علامه طباطبائی)

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، پس از ابطال وجوهی که به آن‌ها اشاره شد، نظر دیگری را ارائه کرده است (ر.ک؛ همان، بی تا، ج ۱۰: ۱۶۳). ایشان در باب اینکه چرا قرآن کریم در تحدی‌های خود پیشنهادهاى مختلفی دارد، می گوید: «ممکن است علتش این باشد که هر یک از آیات، غرض و هدف خاصی را دنبال می کنند. آیه ﴿قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ تحدی به آوردن یک سوره است و در آیه ﴿قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ﴾ تحدی به آوردن عدد خاصی بیش از یک سوره دارد و آیه ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ﴾ تحدی به آوردن کلامی مانند کلام قرآن دارد، هر چند که آن کلام از یک سوره کمتر باشد» (همان، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۲۴۶). آنگاه ایشان می نویسند:

«کلام الهی از نظر تمام ویژگی‌هایی که در آیات تحدی به آن‌ها توجه شده، مختلف است و اینکه در هر سوره هدف خاصی را دنبال کرده، پس قرآن کتابی است

مشمتمل بر تمام اموری که نوع بشر تا روز قیامت از نظر معارف اصولی، اخلاق و احکام نیاز دارد و تک تک سوره‌های قرآن خصوصیتی مخصوص به خود دارند، و اینکه سوره با بیان جامع و خارق‌العاده یکی از اهداف الهی را که با هدایت و دین حق ارتباط دارد، دنبال می‌کند و این خصوصیت غیر از خصوصیت کل قرآن است. برخی از سوره‌ها مانند ده یا بیست سوره از قرآن نیز ویژگی دیگری مخصوص به خود دارند و آن اینکه فوننی از مقاصد و اغراض الهی دارند که با بیان سایر سوره‌ها تفاوت دارد تا اینکه قرآن یکنواخت نباشد. اگر این تنوع نبود، ممکن بود دشمنان بتوانند مانند آن را بیاورند و اگر به ذهنش برسد که ناتوانی بشر در آوردن مانند آن، دلیل بر ناتوانی بشر از آوردن مانند آن است، نه اینکه این کلام از ناحیه خدا نازل شده‌است، چون ممکن است قدرت فردی از بشر در آوردن مانند قرآن، شبیه سایر صفات و قدرت افراد بشر باشد، چون هر یک از افراد، صفات و اعمال مخصوص به خود را دارند، به طوری که در دیگران وجود ندارد، به سبب اتفاق و تصادف، اما این احتمال هرچند درباره یک سوره از قرآن، مردود است و در باب کل قرآن مردودتر است؛ زیرا آوردن سوره‌ای بعد از سوره دیگر، بیان هدفی بعد از هدف دیگر و کشف سر پنهانی بعد از کشف سرهای دیگر، فرصتی برای احتمال اتفاق نمی‌گذارد. حال که این معنا روشن شد، واضح می‌گردد که تحدی در آیه ﴿أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ﴾ (الاسراء/۸۸) تحدی به کل قرآن باشد که همه اغراض و هدف‌های الهی در آن جمع است و ویژگی دارا بودن تمام معارف و احکامی را دارد که بشر تا روز قیامت بدان محتاج است. تحدی به مثل آیه ﴿قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ (یونس/۳۸)، تحدی به یک سوره بدان سبب که یکی از غرض‌های جامع از اغراض هدایت الهی را به طور کامل داشته باشد و تحدی در آیه ﴿فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ﴾ (هود/۱۳) تحدی به ده سوره است که مشتمل بر تفنن و عدد ده دلالت بر کثرت دارد و منظور از آن سوره‌های بسیار است و تحدی در آیه ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ﴾ (الطور/۳۴) تحدی است که نسبت به تحدی‌های سه گانه قبل عمومی‌تر هستند، چون کلمه «حدیث» هم شامل یک سوره می‌شود و هم شامل ده سوره و هم شامل همه قرآن. پس این آیه تحدی به مطلق خصایص قرآن است» (همان: ۲۴۸-۲۵۰).

بدین سان روشن است که مجموع قرآن از آن روی که کتابی است برآورنده تمام نیازهای انسان، تا روز قیامت ویژگی خاصی دارد و سوره قرآنی از آن ویژگی، غیر از آن است که تمام قرآن یکجا بدان مشتمل است و چنین است که سوره‌های متعدد نیز ویژگی‌هایی خاص خود خواهند داشت.

کلام علامه استوار می‌نماید؛ چرا که می‌توان گفت: تحدی به یک سوره این احتمال را دارد که خصم بگوید این برجستگی و ویژگی اتفاقی است؛ چنان که ممکن است انسانی چنین باشد. اما سوره‌های متعدد چنین احتمال را از بنیاد نفی می‌کند؛ گو اینکه ما از یک سوره نیز این احتمال را منتفی می‌دانیم، ولی برای خصم این ادعا راه ندارد. این نکته نیز دیدگاه «غرض و هدف خاص» را متحمل می‌داند که اطلاق نام سوره بر سوره‌های صد و چهارده گانه کنونی، با حدود و ثغوری که الان برای ما محرز است، مورد نظر آیه ۳۱ سوره یونس ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ نبوده است؛ چه آنکه در آن برهه هنوز این استعمال معمول نبوده است. پس مراد، پاره‌های معنایی خاص و هدفمند است که مریدی بر نظر استاد می‌باشد.

اگر این مطلب را هم در نظر نگیریم، خود لفظ «سوره» نیز مؤید دیدگاه علامه طباطبائی است. البته با این نکته که علامه لفظ «سوره» را بیان‌کننده «هدف و غرض» خاص می‌داند که مجموعه‌ای از آیات، غرض معین را در بر دارد. به اعتقاد ایشان، هر سوره محوری خاص از کلام داشته، بر موضوعی دلالت دارد (ر.ک؛ همان، ج ۱۵: ۷۷).

ایشان بر این باور است که چون خداوند هر دسته از آیات را جدای از دسته دیگر قرار داده، لغت «سوره» را برای آن‌ها به کار برده است. پس گونه‌ای از انسجام و به هم پیوستگی در هر مجموعه (سوره) وجود دارد که در سوره دیگر وجود ندارد و در نتیجه، اهداف و مقاصد در هر سوره با سوره‌های دیگر تفاوت دارد و سوره پایان نمی‌یابد، مگر با تحقق آن هدف و مقصد. علامه به دلیل کثرت استعمال کلمه «سوره» از طرف پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و صحابه، آن را حقیقتی قرآنی می‌داند که مجموعه‌ای از کلام الهی است که با «بسم‌الله» آغاز شده است و غرض را بیان می‌کند و آن غرض، معرف سوره است و در هیچ یک از سوره‌ها، این قاعده تخلف نیذیرفته است (ر.ک؛ همان، ج ۱۳: ۲۳۱ و همان، ج ۱: ۱۴).

تحلیل بیان علامه نشان می‌دهد که اندیشه ایشان در بحث آیات تحدی هم از مبنای استاد در بحث سوره‌های قرآنی نشأت می‌گیرد؛ زیرا ایشان هر سوره را دارنده «هدف و غرضی» خاص می‌دانند. لذا بسیاری از برداشت‌های تفسیری علامه مبتنی بر «مقصد و غرض اصلی» سوره است (ر.ک؛ قوجائی، ۱۳۹۴: ۱۵). بر این اساس، تفاوت در تعداد آیات، معلول وجود مقصد و هدف در هر سوره است که با وجود این تعداد از آیات تحقق می‌پذیرد و به عبارتی، تا سوره با تعداد آیات مختص خود پایان نپذیرد، غرض سوره تحقق نخواهد یافت. لازم به ذکر است که اندیشه «غرض و هدف خاص» پذیرفته‌شده زیادی از اندیشمندان مسلمان است. زرقانی چرایی تسمیه سوره را ایفای «غرض خاص» می‌داند که به سبب آن، کلمات در آیات جای گرفته‌اند (ر.ک؛ زرقانی، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۲۴۷). علامه معرفت آن را به «وحدت موضوعی» تعبیر می‌نماید که تا این هدف به اتمام نرسد، سوره به اتمام نخواهد رسید (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۵ق.، ج ۵: ۲۴۶). سید قطب نیز دسته‌ای از آیات و مجموعه‌ای به نام سوره را هدفمند و با غرض الهی می‌داند که با نگاهی ژرف و عمیق در آیات هر سوره می‌توان آن را دریافت. این بیان نیز گفتار ما را تأیید می‌کند که دیدگاه علامه درباره آیات تحدی از مبنای ایشان در بحث «سوره» نشأت می‌گیرد که نشان از دقت و ظرافت علامه دارد (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴: ۲۱۴۷).

پس می‌توان گفت سخن قرآن گاه «لئن اجتمعت...» هم‌اوردطلبی به تمامت قرآن است با تمام اغراض و اهداف آن؛ گاه ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ﴾ است که بیانگر فرازمندی یک مجموعه در فصاحت، بلاغت و تبیین هدفی از اهداف الهی است و گاه ﴿قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ﴾ که نشانگر تفنن در بیان، گونه‌گونی شیوه‌ها و... است و لفظ «عشر» بر سوره‌های بسیار دلالت دارد که ابعاد مهمی از بلاغت، فصاحت و بلندی معانی را دارند و نشان‌دهنده «اغراض و اهداف» گوناگون است، نه اینکه صرفاً ده سوره خاص. اما ﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ﴾ ممکن است شامل هر سه بخش شود.

به هر حال، قرآن در فضایی و حال و هوایی همگان را به مبارزه طلبید که آنان در سخن گفتن و بلیغ سرودن و فرازند گفتن در ستیغ سخن بودند و وصف‌های آنان از پیرامونشان بوده است و آرایه‌های دلپذیری در سخن و اشعار ستایش‌آمیز خود داشتند. به‌راستی، شگفت‌آور

است که در چنین فضایی، قرآن فرازمندانه ایستاد و فریاد هم‌آوردطلبی سر داد و همگان از آوردن مثل آن عاجز شدند و این هم‌آوردطلبی تاکنون باقی و جاری است.

نتیجه‌گیری

تحدی و هم‌آوردطلبی قرآن کریم فراگیر است و همه جهانیان را شامل می‌شود و دامنه آن برای همیشه گسترده است. تحدی برای آوردن مثلی به عنوان معجزه، تنها اختصاص به اعجاز قرآن ندارد، بلکه معجزات همه پیامبران را شامل می‌شود. اما باید سیری در تحدی‌های گوناگون قرآن نهفته باشد. علامه طباطبائی بر این باور است که تحدی قرآن تنها به فصاحت و بلاغت آن نیست، بلکه همه قرآن را با تمام معارف و احکام الهی شامل می‌شود. ایشان ترتیب آیات را چنین بیان می‌کنند: ابتدا تحدی در سوره اسراء که هم‌آوردی به مجموع قرآن، شامل همه اغراض، احکام و معارف الهی می‌باشد. سپس سوره یونس که تحدی به یک سوره است، به گونه‌ای که یکی از اغراض الهی را به طور کامل بیان کند و مراد این است که اگر می‌توانید، همچون قرآن یک پاره گفتار بیاورید که غرض و هدفی خاص و متعالی داشته باشد.

سپس سوره هود با هم‌آوردطلبی به ده سوره، از آن حیث که شامل تمام فنون قرآنی شود و عدد ده دلالت بر کثرت دارد. آیه بعدی در سوره طور است و تحدی در این آیه به صورت مطلق بوده که هم شامل کل قرآن، ده سوره و یک سوره می‌شود. سپس، سوره بقره، که تحدی به یک سوره و از نظر یکی از وجوه اعجاز است. این اندیشه علامه از دیدگاه ایشان، نسبت به علت تسمیه «سوره» نشأت می‌گیرد که این لفظ برای قائلان «غرض و هدفی خاص» در پاره گفتارهای مشخص است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن فارس، احمد. (۱۴۲۲ق.). *معجم مقاییس اللغة*. ط ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
ابن منظور، محمدبن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۹۹۷م.). *الفهرست*. بیروت: دارالمعرفة.
- اخوان مقدم، زهره. (۱۳۹۱). «تحدی در محک عقل و نقل، و نقد وسیر نزولی آیات موسوم به تحدی». *اولین همایش اعجاز قرآن*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ص ۶۰.
- اندلسی، ابو حیان. (۱۴۲۰ق.). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۲۰۰۲م.). *معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل*. بیروت: دارالفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۰۹ق.). *شرح المقاصد*. قم: منشورات الشریف الرضی.
- حجتی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *تاریخ قرآن کریم*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حقی برسوی، اسماعیل. (۱۴۰۵ق.). *تفسیر روح البیان*. چ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی، الحسن بن یوسف. (۱۴۱۵ق.). *منهاج الیقین فی اصول الدین*. تحقیق یعقوب جعفری المراغی. تهران: دارالأسوة للطباعة والنشر.
- جصاص، احمد بن علی. (بی تا). *احکام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. چ ۱. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۵۴ق.). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. لبنان - بیروت: دارالعلم للملایین.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۷). *قرآن پژوهی*. تهران: دوستان.
- خمینی، سیدمصطفی. (بی تا). *تفسیر القرآن العظیم*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- خویی، ابوالقاسم. (بی تا). *البیان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالزهراء.
- رافعی، مصطفی صادق. (بی تا). *اعجاز القرآن و البلاغة النبویة*. بیروت: دارالکتب العربی.
- رشیدرضا، محمد. (۱۹۷۳م.). *تفسیر قرآن الکریم (المنار)*. بیروت: دارالمعرفة.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (بی تا). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- زرقانی، محمد بن عبدالعظیم. (۱۴۱۶ق.). *مناهل العرفان*. بیروت: دارالعلم.
- زمخشری، محمد بن عمر. (بی تا). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. قم: نشر ادب الحوزه.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سلطانی پیرامی، اسماعیل. (۱۳۹۱). *قرآن شناخت*. قم: اداره کل نشریات مشترکان.
- سید قطب، محمد. (۱۴۱۷ق.). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالمشرق.
- صفوی پور، میرزا عبدالرحیم. (بی تا). *منتهی الاوب*. تهران: مؤسسه کربلای محمدحسین.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۵۳). *قرآن در اسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ . (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
- _____ . (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن محمد. (۱۳۷۹ق.). *مجمع البیان*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طریحی، فخرالدین. (بی تا). *مجمع البحرين*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۳ق.). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*. قم: دارالقرآن الکریم.
- علاء الدین بغدادی، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق.). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۶ق.). *مدخل التفسیر*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فخررازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق.). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۷۴). «بررسی سیر نزول تحدی در آیات قرآن». *مجله پژوهش های قرآنی*. ش ۳. صص ۱۹۹-۲۲۶.
- قرطبی انصاری، محمدبن احمد. (۱۴۱۶ق.). *الجامع الأحكام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قوجائی، مریم و حسن صادقی. (۱۳۹۴). «بررسی مقاصد سور از دیدگاه تفسیر المیزان و فی ضلال القرآن». *مجله نامه جامعه*. س ۱۲. ش ۱۱۳. صص ۷-۳۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). *قرآن شناسی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی^(ره).
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۵ق.). *التمهید*. قم: نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (بی تا). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.